

سرمقاله

## آغاز پایان «هنوز»



شادی اسعدی

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی ۹۷

اسفند بود و هیاهوی برنامه‌های دانشگاه؛ کلاس هشت صبح، مقاله و سمینار، خوابگاه و دیدار در تریای دانشگاه، جلسه و دفتر دانشکده، دوره‌های آلاچیق، میان‌ترم و پایان‌ترم، نمره و معدل و... .

اما به ناگاه همگی تبدیل شد به اصطلاحاتی هم‌چون خانه‌نشینی و قرنطینه. صحبت از دوری بود و فاصله؛ ماسک و تنفس پرخطر، سفید شدن ریه و تخت بیمارستان. وحشت بود و اضطراب ناگهانی، اما کم‌کم خو گرفتیم با شرایط؛ انسان است و خو گرفتنش؛ انسان است و وفق دادنش. همان‌طور که داستایوفسکی در خاطرات خانه مردگان انسان را موجود سرسختی می‌داند و می‌گوید «انسان عبارت است از موجودی که به همه چیز عادت می‌کند.» ما آدمیان، خودمان را با هر وضعیتی که پیش رویمان قرار می‌گیرد، دیر یا زود، تطبیق می‌دهیم؛ چراکه آن را تنها انتخاب و راه چاره می‌دانیم. گویی که ناخودآگاه آگاهییم و می‌فهمیم که سازش کردن سبب می‌شود کمتر رنج بکشیم و زندگی را راحت‌تر و بدون دردسرتز سر کنیم. با ویروس و ماسک و آموزش مجازی و قرنطینه و زندگی کرونایی آنقدر سازش کردیم، تا تبدیل به یک نرم و واقعیتی از ما شد؛ تا دیگر تصور دنیایی بدون همه این کلمات غیرممکن شد.

به خوبی به یاد می‌آورم، آن روز سرد زمستانی را که در آلاچیق دانشکده بودیم و خبر رسید دانشگاه به دلیل شیوع ویروسی ناشناخته، موقتاً تعطیل می‌شود. آن زمان مسئله مهم به نظر نیامد؛ با شوخی و خنده آن را رد کردیم و خوشحال شدیم از اینکه چند روزی می‌توانیم از فشارهای درسی دور بمانیم و مدتی را استراحت کنیم. اما گویی زندگی‌مان در همان روز و همان نقطه متوقف شد؛ توفقی که تصورش از ذهن هر انسانی به دور بود. همان روز بود که انگار چشیدن طعم روزمرگی‌های دانشگاه، رویایی شد، غریب و تجربه دوباره‌ی آن، بسیار باورنکردنی.

پس از گذر از روزهای اول این دوران نه چندان معمولی، کم‌کم درس و دانشگاه جدی شد؛ اما این‌بار در فضایی که تاکنون آن را تجربه نکرده بودیم. حرف از ادوبی کانکت شد و آموزش آنلاین؛ آموزشی بدون حضور گرم اساتید و هم‌کلاسی‌ها. آموزشی بدون پیاده‌روی‌های عصرانه و بدون تنفس هوای دانشگاه...

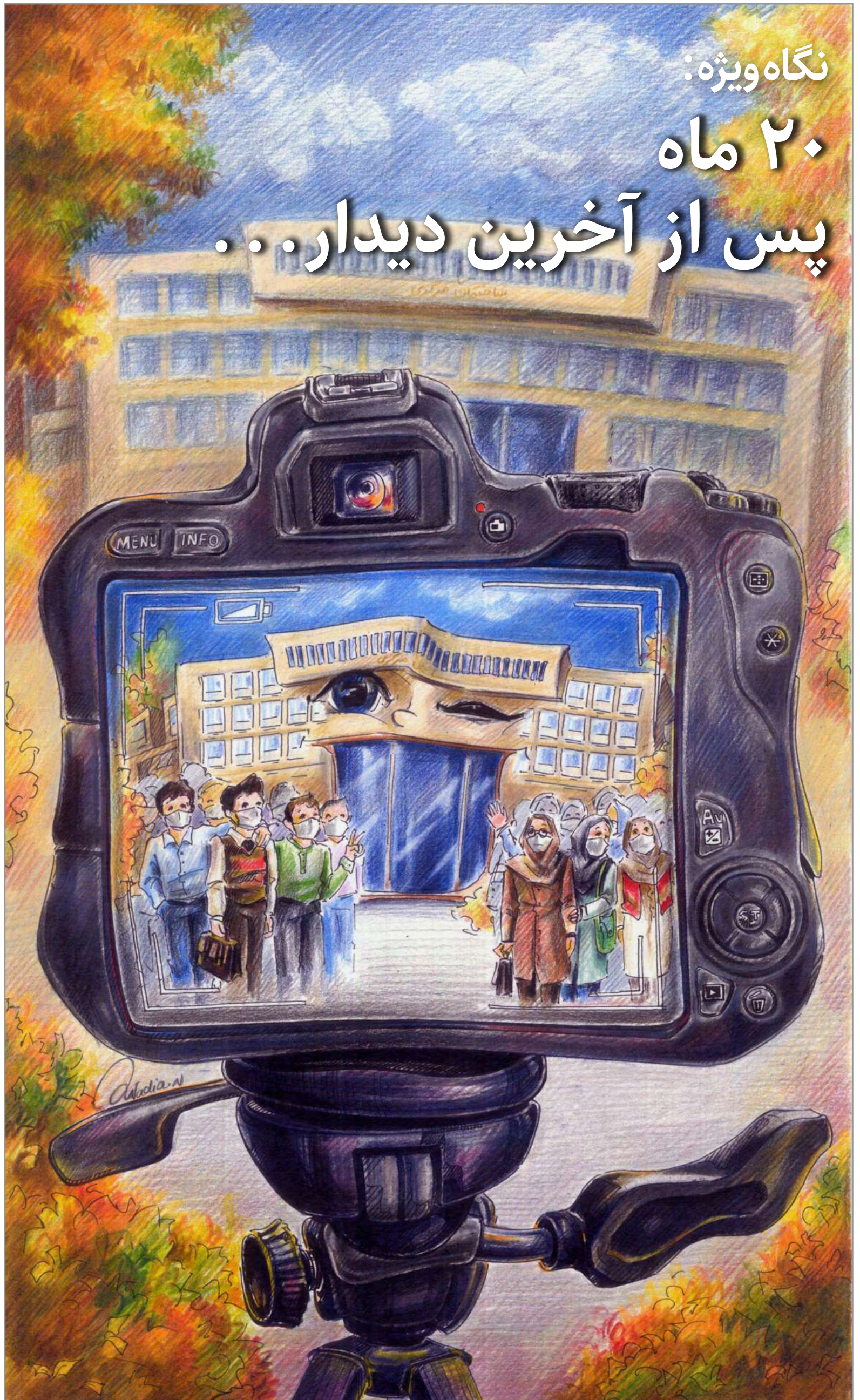
همه چیز برای همه نو و تازه بود؛ هرروز تصمیم جدیدی برای ادامه روند آموزش گرفته می‌شد و ما را در این دور باطل سردرگم‌تر می‌کردند و ما هرلحظه‌ی ناآشنا از این روزها را به این امید سر می‌کردیم که شرایط موجود گذراست و نیاز به تغییری بزرگ نداریم.

اما این ویروس بیگانه آمد که بماند؛ آمد تا ما را مجبور به تحمل‌تغییری تحمیلی و ناخواسته کند؛ تغییری در تمامی ابعاد زندگی‌مان؛ از رفتارها و عادت‌ها و روحیات و خلقیاتمان گرفته تا روابط و نشست و برخاست‌ها و نقش‌های اجتماعی و مشاغلان. در این فصل تلخ زندگی‌مان، «از دست دادن» و «به دست آوردن» را در نهایت معانی‌شان تجربه کردیم. از دست دادیم تنها روزهای یک‌نواختی را که هیچ‌گاه کسالت‌آور نمی‌شدند و از دست دادیم رفت‌وآمدها و دوره‌هایی را که تنها تفریح‌مان میان کلاس‌های طولانی و سنگین دانشگاه بود. و اما هم‌اکنون پس از ۲۰ ماه انتظار، نوید بازگشایی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی به گوش می‌رسد و با دنیایی از خستگی و ملالت، اما با امیدواری، که تنها داشته‌ی ما برای گذران دشواری‌هاست، آماده می‌شویم برای آینده‌ای که آن را عصر پسا کرونا می‌نامند و برای حضور مجدد در مکانی که ۱۲ سال برای کسب آن تلاش کردیم. دیگر ما آن دانشجوی گذشته نیستیم یا بهتر است بگوییم آن آدم گذشته نیستیم؛ انگار بخشی از عمرمان را حذف کرده یا فیلم زندگی‌مان را تا دو سال بعد جلو برده باشند، یا انگار این دو سال را زنده بودیم تا بزرگ شویم و تغییر کنیم برای آینده. حالا ما به انسان‌هایی بدل شده‌ایم که صبورتر شده‌اند؛ انسان‌هایی که قدر داشته‌هایشان را بیش از قبل می‌دانند. انسان‌هایی که دو سال را با سختی‌ها و شگفتی‌ها و دوری‌ها سپری کردند تا بالغ‌تر شوند و آماده‌تر باشند برای زنده بودن و زندگی کردن. اکنون با وجود تمامی چالش‌هایی که این دوران سختی‌ها پیش رویمان قرار داده است، از دست دادن‌ها گرفته تا دوری و انزوای اجتماعی، باور داریم که زندگی و زیبایی‌هایش ما را به درون خود باز خواهد گرداند. باور داریم که بر این وضعیت فائق آمده و دوباره عادت می‌کنیم به آن زندگی‌ای که با وجود تمام مشکلات و دردها و مشقت‌هایش، چشیدنش حقمان بود، اما نکته اینجاست که حالا با تجربیاتی جدید، از سختی‌هایی تازه بیرون آمده‌ایم و اینک باید با قدر دانستن لحظتمان طرحی نو دراندازیم و ایجادکننده‌ی تحول باشیم.

نگاه ویژه:

۲۰ ماه

پس از آخرین دیدار...





# خودنوشته‌ها

۲

## مشک آن است که خود بپوید، نه آن که عطار بگوید



مینا حکاک‌دخت

پژشکی ۹۶

سال گذشته هم همزمان با شروع سال تحصیلی باید متنی می‌نوشتیم و از نحوه آشنایی خود با سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی و ویژگی‌های جذاب آن می‌گفتیم و به یاد دارم که آن زمان حسابی سعی کردم همه جوهره به خواننده‌ی مطلب بفرمانم که چقدر اینجا همه چیز ممکن است و چقدر فرصت وجود دارد و خلاصه هر آنچه از فضایل برای یک تشکل دانشجویی بتوانید متصوّر شوید نوشته بودم. امسال اما داشتن فکر می‌کردم که خب طبیعتاً «مشک آن است که خود بپوید نه آن که عطار بگوید» و لذا چون به کیفیت این مشک ایمان دارم اجازه می‌دهم، خود بپوید. من هر چقدر هم از امکانات مادی و معنوی اینجا داستان‌سرایی کنم، تا خودتان تجربه نکنید جذابیتی ندارد؛ هر چقدر بگویم که چه تیم همراهی اینجا داریم و چطور مثل یک خانواده در کنار هم کارها را پیش می‌برند، تا خودتان درون این جمع نباشید درک نمی‌کنید؛ هر چقدر از خاطره‌سازی‌ها و لحظات شادی که اینجا داشتیم بگویم، تا خودتان جزئی از این خاطرات نباشید، ملموس نخواهد بود و خلاصه تا خودتان این مشک را نبویید، تعریف کردن من عطار از آن بی‌فایده است. خلاصه‌ی کلام آن که ما اینجا حسابی فیض بردیم و حقیقتاً حیف است که بقیه فیض نبرند. امیدوارم هم‌دیگر را در برنامه‌های آینده سازمان ببینیم.

## سازمان، تحقق بخش آرزوهایم



مهدی طاهری

کارشناسی آمار ۹۸

من برای اولین بار با حضور در کارگاه‌های خبرنگاری جهاددانشگاهی، با این نهاد آشنا شدم و با حضور در خبرگزاری ایسنا به عنوان خبرنگار سرویس فرهنگی-هنری و گردشگری، این شناخت بیشتر سمت و سوی فرهنگی و حتی هنری به خود گرفت. هرچه حضور من در جهاد دانشگاهی بیشتر می‌شد، شناخت من نسبت به وسعت فعالیت‌های سازمان دانشجویان نیز افزایش پیدا می‌کرد و این شناخت منجر به آغاز فعالیت من به عنوان مسئول دفتر دانشکده ریاضی در سازمان دانشجویان شد؛ چراکه به محض ورود به این نهاد، با گستره عظیمی از فعالیت‌های دانشجویی روبرو شدم که باعث می‌شد برای علاقه من به فعالیت در زمینه فرهنگی و هنری، فرصتی به‌وجود بیاید و بتوانم به بخشی از آرزوهایم در این زمینه دست یابم. علاوه بر این، آروزی من برای برگزاری مسابقات شطرنج در همین مکان به حقیقت پیوست و من توانستم به وسیله نام سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی با افراد مهمی در این رشته هم‌صحبت و هم‌بازی شوم و از این اتفاق بسیار خوشنودم و حس بسیار لذت بخشی دارد که خود را میان آرزوهای همیشگی ببینی؛ نه تنها به عنوان ناظر بلکه به عنوان مجری و گاهی به عنوان بخشی از این اتفاق. همین امر باعث علاقه روزافزون من به این نهاد و سازمان شد. وجود فعالیت‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، داوطلبانه و پژوهشی باعث می‌شود که دامنه وسیعی از فعالیت‌ها برای دانشجویان دغدغه‌مند فراهم شود. سازمان دانشجویان مکانی است بسیار مناسب برای ایجاد فرصت فعالیت در زمینه‌های مورد علاقه دانشجویان، که ممکن است تاکنون مسیری برای فعالیت در زمینه مورد علاقه خود یافت نکرده باشند.

از سازمان دانشجویان نه تنها به عنوان مکانی برای انجام فعالیت، بلکه به عنوان سکوی پرشی برای شروع فعالیت در حوزه‌های خاص و مشخص می‌توان نام برد؛ زیرا حضور در این جمع پرانرژی و با انگیزه و بودن به عنوان بخشی از سازمان دانشجویان و نهاد جهاددانشگاهی می‌تواند شما را در کنار افرادی بسیار برجسته در حوزه مورد نظرتان قرار دهد تا بتوان از تجربه این افراد، اطلاعات و دانش آنان استفاده کرد و بهره برد.

قطعا برای اینکه دانشجو هویت اصلی خود را به عنوان دانش‌جوی بازباید نیاز به حضور در فعالیت‌های دانشجویی و گاه انجام فعالیت‌هایی دارد که خود توانسته باشد آن‌ها را برنامه‌ریزی و به مرحله اجرا برساند؛ این امر کمک می‌کند تا فرد به عنوان دانشجو حس بهتری نسبت به هویت و جایگاهش در دانشگاه داشته باشد. در سازمان دانشجویان در کنار طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها که برای شما حضور در جامعه، شرایط و موقعیت‌های مختلف و متنوعی را به ارمغان می‌آورد، می‌تواند شرایطی را نیز فراهم آورد که با حمایت سایر اعضا، یکی از مجریان این رویدادها باشید.

## سازمان دانشجویان؛ پیکره دانشجویی جهاددانشگاهی



جهاددانشگاهی که از دل حرکت‌های دانشجویی برآمده است؛ از بدو تاسیس تاکنون دانشجویان را مخاطب اصلی خود دانسته و حجم بالایی از فعالیت‌های خود را برای این قشر اختصاص داده است. سازمان دانشجویان نیز به عنوان پیکره دانشجویی این نهاد، مجموعه‌ای است که به منظور سازماندهی مطلوب و توسعه (ارتقاء) مشارکت دانشجویان دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی کشور در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، علمی، صنفی و فوق برنامه و در جهت تحقق استراتژی برنامه اول توسعه جهاددانشگاهی مبنی بر «تاکید بر تقویت فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در جامعه و به خصوص در نسل جوان و دانشجویان دانشگاه‌ها»، تأسیس شد.

هدف از تاسیس سازمان دانشجویان، ایجاد زمینه برای کشف، شکوفایی و اعتلای استعداد‌های اجتماعی، سیاسی، هنری، علمی و فرهنگی دانشجویان و ارتقای همکاری و مشارکت آنان در زمینه‌های ذکر شده است.

برای آشنایی بیشتر با سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی می‌توانید این مجموعه را با آدرس SDDIM.IR در شبکه‌های اجتماعی تلگرام، اینستاگرام، آپارات و وبسایت دنبال کنید.

دو هفته‌نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال هفتم / شماره هشتاد / نیمه اول آبان ۱۴۰۰

## همه‌مان از صفر شروع کردیم



پریسا پورمهدی

کارشناسی مترجمی زبان فرانسه ۹۷

احتمالا سال گذشته، چند ماه زودتر از همین روزها که دنبال محیط جدیدی بودم، بیشتر برای فاصله گرفتن از هیاهوی کرونا و کمتر برای دور شدن از کاری که آن زمان داشتم، از آخرین جایی که فکر می‌کردم سر در بیاورم، سازمان دانشجویان بود. برای منی که همیشه از هر تشکلی در دانشگاه یا مدرسه، فرقی نداشت چه رویکردی داشته باشند، گریزان بودم، انتخاب عجیب، اتفاقی و جدیدی بود. آن زمان نمی‌دانستم چه چیزهایی منتظرم است؛ نمی‌دانستم قرار است چه شود و حقیقتش حتی با وجود این‌که تجربه آن کار را داشتم، نمی‌دانستم اینجا دقیقا باید چه‌کار کنم. می‌ترسیدم و حس می‌کردم باید از صفر شروع کنم و این خیلی سخت و دلپره آور بود. حقیقت این که درست حس می‌کردم؛ باید از صفر شروع می‌کردم، اما چیزی را که نمی‌دانستم این بود که قرار نیست تنها این کار را انجام دهم. همه‌مان از صفر شروع کردیم و با هم این‌کار را کردیم. قدم قدم جلو رفتیم و تمام این يك‌سال و چند ماه را دروغ نیست اگر بگویم حتی لحظه‌ای حس نکردم دارم کاری را تنها انجام می‌دهم. کارهای زیادی کردیم. خیلی‌هایشان برای من و خیلی‌های دیگرمان اولین تجربه بود؛ از درست انجام دادنشان خوشحال شدیم و از اشتباه انجام دادنشان یاد گرفتیم، کنار هم بزرگ شدیم و تمام این راه را تا اینجا آمدم و شاید امروز چیزهایی بیشتر از تجربه کار و فعالیت در يك تشکل دانشجویی داشته باشیم. نمی‌دانم مخاطب این نوشته قرار است چه کسی باشد؛ نمی‌دانم از سر اتفاق این نوشته‌ها را می‌خوانید یا به پیشنهاد دوستی یا تعریفش را جایی شنیدید. نمی‌دانم تازه واردید یا از قدیمی‌ترها. این دویست و اندی کلمه را نوشتم فقط برای اینکه آخرش بگویم من از شروع راهی که در ابتدا از آن می‌ترسیدم و گاهی حتی جلوی پایم هم برایم روشن نبود، راضی‌ام و بگویم که امیدوارم اگر شما هم این کار را کردید، راضی باشید.

## یادگاری‌های من از سازمان



آیدا رستگار

کارشناسی ارشد بیوتکنولوژی میکروبی ۹۹

سلامی گرم به نو ورودی‌های عزیزمان که اکنون در حال تجربه کردن جالب‌ترین روزهای زندگی دانشجویی‌شان هستند. دوران دانشجویی افراد، خصوصا دوران کارشناسی، می‌تواند به یکی از جذاب‌ترین خاطرات زندگی هر آدمی تبدیل شود، اما این اتفاق فقط با گذراندن خشک و خالی کلاس‌ها و سر و کله زدن با همکلاسی‌ها و اساتید رخ نمی‌دهد. برای ساخت این دوران زندگی باید قدری تلاش کرد؛ یکی از کارهایی که می‌شود برای شیرین‌تر کردن این دوره انجام داد، عضویت در انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی‌ست. من تجربه‌ای مشابه در این زمینه دارم و توانستم با عضویت در سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی، صفحه جدیدی را در خاطرات زندگی دانشجویی‌ام باز کنم. رفتن به دل طبیعت برای پاک کردن ردپای زشتی که انسان در آن به جا گذاشته، همکاری جمعی از دانشجویان برای آماده‌سازی بسته‌های مواد غذایی برای افراد نیازمند، همدلی تیمی برای جانی دوباره بخشیدن به تن خسته‌ی دیوارهای یک موسسه خیریه، شور و اشتیاق وصف نشدنی دانشجویها هنگام مناظرات دانشجویی، تلاش‌های مستمر و شب بیداری‌های همیشگی بچه‌های ستاد مرکزی برای به موقع رساندن کارها و کلی خاطره خوب که همه‌شان یادگاری‌هایی برای من از سازمان دانشجویان است. مرور هر یک از این خاطره‌ها باعث می‌شود از انتخابم راضی باشم و به اعضای تیمی که عضوش هستم افتخار کنم. به نظرم خاطرات و آدم‌های خوب دو عنصر مهم در زندگی دانشجویی همه‌ی دانشجویان است که باید برای ساختن این خاطرات و پیدا کردن این آدم‌ها تلاش کنند. شما نیز اگه دوست دارید عضو یک تیم پرانرژی و خلاق باشید و طلایی‌ترین خاطرات زندگی دانشجویی‌تان را بسازید، پیشنهاد می‌کنم به دفتر سازمان دانشجویان دانشکده‌تان، حتما سری بزنید.

## تنوع و تداوم؛ سرنخی بود که مرا به سازمان رساند



مهتاب سادات موسوی

کارشناسی علوم و مهندسی محیط‌زیست ۹۸

دانشگاه در دوران قیبل از پاندمی کرونا به مناسبت سال تحصیلی جدید، جشن‌ها و مراسم‌هایی برگزار می‌کرد که دانشجویها با فضای دانشگاه و تشکل‌ها آشنا شوند و حضور در آن مراسم‌ها مساوی بود با عضو شدن در تمامی تشکل‌ها به‌طور پیش‌فرض! دوستانی که دانشگاه حضوری را تجربه کرده‌اند، متوجه منظورم می‌شوند. بالاخره شروع سال تحصیلی جدید بود و شمار زیادی از دانشجویهای تازه نفس و پرانرژی وارد عرصه‌های مختلف دانشگاه شده بودند. هرکدام دنیایی از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل، درست مثل خود شما، محسوب می‌شدند و هر تشکل با بازگو کردن پیشینه‌ی خودش، سعی در جلب نظر دانشجویها داشت و به این‌صورت بازار عضوگیری تشکل‌ها حسابی گرم بود، اما تنوع و تداوم فعالیت‌ها یک اصل انکارناپذیر بود که بعد از فروکش کردن آن شور و هیجان اوایل سال، متأسفانه در تشکل‌های محدودی به‌چشم می‌خورد. این شاخصه‌ی تنوع و پویایی، در برنامه‌های متعددی که شرکت می‌کردم، سرنخی بود که من را به سازمان دانشجویان رساند و توجهم را جلب کرد تا با ساز و کار سازمان بیشتر آشنا شوم. آن برنامه‌ها و خاطرات به‌یادماندنی باعث اشتیاق بیشتر من برای همکاری با سازمان دانشجویان شد و برای آشنا شدن شما با یک وجه از سازمان، باید بگویم؛ برنامه‌هایی که این‌جا عملی می‌شوند، محدود به یک گرایش سیاسی و فکری، رشته تحصیلی، دانشکده و حتی دانشگاه نیستند و حتی کرونا هم نتوانست جلودار این طیف متنوع از فعالیت‌های جذاب و در عین حال غنی، از لحاظ بار علمی و ترویجی، شود. و حالا در انتهای صحبتم میتوانم بگویم؛ شما با هر نوعی از علاقه‌مندی، سلیقه و ایده‌پردازی‌ای که دارید، می‌توانید با ما همراه شوید و درکنار لذت بردن از سایر برنامه‌های سازمان دانشجویان، به ایده‌های خودتان در قالب طرح‌ها و برنامه‌های دانشجویی جامه‌ی عمل بپوشانید.

## این مکان پلی‌ست برای ساختن آینده‌ای زیباتر



سارا حاتمی

دانش‌آموخته کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی

آشنایی من با سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی مشهد به پوشش دادن برنامه‌های سازمان دانشجویان در زمان خبرنگاری‌ام بر می‌گردد که باعث شد علاقه زیادی به فعالیت‌های این سازمان پیدا کرده و فرم عضویت را پر کنم. زمانی‌که با من تماس گرفته شد، به محض اطلاع از اینکه اعلام کردم دانشجوی دانشگاه فردوسی نیستم، مکالمه ما به پایان رسید و پس از آن تماس، دیگر ارتباطی برقرار نشد، تا زمانی‌که تیم جدید سازمان دانشجویان سر کار آمدند و به من پیشنهاد کار در این سازمان داده شد. بعد از اطلاع از اینکه قرار بود کانونی به نام «مهرباران» به من سپرده شود، بسیار خوشحال بودم از اینکه فعالیت‌هایی که تا قبل از آن به صورت داوطلبانه انجام داده بودم، دیده شد و نوبت عملی‌کردن ایده‌های جدید در این زمینه رسیده بود. در حال حاضر در کانون مهرباران سازمان دانشجویان خراسان رضوی، با کمک و مشورت گرفتن از افراد متخصص در حوزه کارهای خیریه و داوطلبانه، دانشجویان را به این نوع از فعالیت‌ها تشویق می‌کنیم و هر روز، دانشجویان و علاقه‌مندان زیادی به این خانواده و جمع صمیمی اضافه می‌شوند و فرصت آزمون و خطا دارند، تا تجربه کنند و در زمینه‌های مختلفی متخصص شوند. سازمان دانشجویان به شما فرصت یادگرفتن می‌دهد، تا در آینده بتوانید به کاری که به آن علاقه‌مند هستید جدی‌تر بپردازید و راهتان را پیدا کنید. در سازمان دانشجویان فرصت آشنایی با افراد مهم و تاثیرگذار را دارید که می‌تواند بسیار آموزنده باشد و پلی باشد برای ساختن آینده‌ای زیباتر.



## مسیرِ سبزم را پیدا کردم



**فرناز علی‌زاده**

کارشناسی ۹۸ روانشناسی

یادم می‌آید در یکی از روزهای هجده سالگی، زمانی‌که تازه‌واردی در دانشگاه بودم، جایی حوالی کتابخانه مرکزی گم شدم. با یکی از دوستانم تماس گرفتم و او گفت اگر مسیر سبز دوچرخه‌ها را دنبال کنم، حتما به مقصد می‌رسم. داستان آشنایی من با سازمان دانشجویان درست مثل همان روز بود؛ «گم کردن و یافتن خود».

بعد از گذراندن روزهای طاقت‌فرسای کنکور و لمس شیرینی موفقیت از من دانشجوییم تنها یک چیز می‌خواستم؛ اینکه در کنار تحصیل، دغدغه‌ها و علایقم را هم دنبال کنم و دوباره مثل آن روزها در چارچوب خفقان‌آور کتاب‌های درسی گرفتار نشوم. به همین خاطر اکثر مسیرهایی که یک دانشجوی تازه‌وارد علاقه‌مند به تجربه‌های جدید طی می‌کند را پیمودم؛ از عضویت و فعالیت در کانون‌های فرهنگی و هنری گرفته تا شرکت در برنامه‌ها و نشست‌های علمی. تا اینکه بعد از مدتی به‌واسطه‌ی پیشنهاد یک دوست خوب با جهاد دانشگاهی آشنا شدم و مسیر سبزم را پیدا کردم.

جایی خواندم که تعریف جدید یونسکو از سواد، «توانایی تغییر» است؛ یعنی هر چیزی که یادگرفته‌ای بتواند منجر به تغییر و پیشرفت خودت شود. سازمان دانشجویان تشکلی‌ست که مرا باسواد کرده و فرصت اشتباه کردن و آموختن را به من داده است. از آن، مسئولیت‌پذیرتر بودن را یاد گرفته‌ام و دریافتم که در یک تیم و یک مجموعه‌ی کاری باید به یک هدف مشترک رسید. توانستم در محیطی گرم و صمیمی توانایی‌هایم را محک بزنم و تعاملاتم را با اساتید و افراد گران‌مایه گسترش بدهم.

به نظرم دوران دانشجویی، روزگار تجربه کردن بسیاری از اولین‌های زندگی است؛ اولین‌هایی که با گذر زمان در ذهنمان ته‌نشین می‌شوند و قوام پیدا می‌کنند؛ درست مثل اولین‌باری که با همکلاسی‌هایمان در تریای دانشکده، چای می‌نوشیم و گرمای آن تا همیشه کنج حافظه‌ی ما باقی می‌ماند. حالا که برای اولین‌بار در یک نشریه دانشجویی کلمات را کنار هم می‌گذارم، می‌دانم که این هیجان، توأمان با لذتش تا همیشه گوشه‌ی ذهنم ماندگار می‌شود. در سازمان دانشجویان از طریق معاشرت با آدم‌هایی دوست‌داشتنی، اولین مؤلفه‌های جامعه‌پذیری و به‌هم پیوستگی را تجربه خواهید کرد. بعد از پرگویی‌های بسیار به شما تازه واردهای عزیز پیشنهاد می‌کنم در دانشگاه، مسیر سبز خودتان را پیدا کنید و تا رسیدن به مقصد، به راهتان ادامه دهید.

## و تنها صداست که می‌ماند!



**محمدامین پوراحمدی**

کارشناسی ۹۷ زبان و ادبیات انگلیسی

برای من و امثال من که رابطه‌ی نزدیکی با فوتبال و قسه‌هایش دارند، رسمی نوشتن مقداری سخت است! پس از همین ابتدا باید بگویم که قرار است متنی کاملا صمیمی بخوانید.

آشنایی من با سازمان دانشجویان از طریق رادیو آوان شکل گرفت؛ رادیویی که صدای دانشجویان است و در هر قسمت به روایت زندگی‌های پر فراز و نشیب یکی از مشاهیر دانشگاهی تاریخ جهان می‌پردازد. در قسمت ابتدایی به عنوان گوینده و در دو قسمت بعدی به عنوان گوینده و کارگردان در خدمت مجموعه بودم. در کش و قوس‌های آماده‌سازی دومین قسمت از آوان بود که با تماس مرد دوست داشتنی سازمان، آقای قاسمی، مواجه شدم؛ تماسی که در طی آن به من، پیشنهاد عضویت و حضوری مستمر در سازمان به عنوان عضوی از تیم مستندسازی ارائه شد. این‌گونه بود که من به عضویت سازمان درآمدم و بسیار از این بابت خوشحالم که فرصت حضور در این مجموعه را به‌دست آوردم.

اینجا فرصت خوبی است تا به شما عزیزانی که تازه به جمع دانشجویان دانشگاه فردوسی پیوستید، این مسئله را بگویم که اگر دغدغه فعالیت دارید، اگر دوست دارید تجربه‌های شگفت‌انگیزی در راستای رسیدن به اهدافتان به دست بیارید، از این فرصت عالی غافل نشوید! به نظر من چیزی که سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی را از بقیه تشکل‌های دانشجویی متمایز می‌کند این است که شما به عنوان عضوی از این مجموعه، هیچ‌گونه محدودیت موضوعی ندارید و می‌توانید در هر حوزه‌ای که علاقه‌مند هستید، فعالیت و برنامه‌سازی کنید.

## جشن بیست‌وسومین سالگرد تاسیس سازمان دانشجویان

جشن بیست و سومین سالگرد تاسیس سازمان داشجویان جهاددانشگاهی با حضور جمعی از دانشجویان عضو و مسئولان این مجموعه برگزار شد. در این مراسم که با حضور دکتر شمسیان، رییس سازمان جهاددانشگاهی خراسان رضوی، دکتر عباسی رییس سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی، دکتر حمیدرضا بیدخوری، معاون پزشکی و دکتر بختیاری، معاون فرهنگی جهاددانشگاهی خراسان رضوی برگزار شد؛ سخنرانان به بیان دیدگاه‌ها و نظرات خود پیرامون فعالیت‌های سازمان دانشجویان پرداختند.

در این مراسم مهدی نعمیانم راد مدیر اجرایی سازمان دانشجویان خراسان رضوی طی سخنانی با اشاره به ماهیت فعالیت‌های سازمان، سیاست این مجموعه در قبال فعالیت‌های دانشجویی را تشریح کرد.

دکتر مهدی عباسی، رییس سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی، در این نشست با تمجید از عملکرد سازمان دانشجویان خراسان رضوی، فعالیت‌های این مجموعه را پیشرو، با کیفیت و الهام بخش توصیف کرد و ابراز امیدواری کرد: فعالیت‌های خراسان رضوی الگویی برای فعالیت دیگر شعب باشد. در ادامه این نشست از فرناز علی‌زاده مسئول دفتر دانشکده علوم تربیتی، آیدا وحیدی مسئول دفتر دانشکده کشاورزی، شادی اسعدی مسئول دفتر دانشکده ادبیات و علیرضا ضیایی مسئول دفتر دانشکده مهندسی به عنوان مسئولان دفاتر برگزیده فصل تابستان این سازمان تقدیر به عمل آمد. همچنین در این مراسم از سایت جدید سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی خراسان رضوی به آدرس sdjdm.ir رونمایی به عمل آمد.

دوهفته‌نامهٔ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی/ سال هفتم/ شمارهٔ هشتماد/ نیمهٔ اول آبان ۱۴۰۰

## سازمان، بهترین عرصه

## برای حضور اجتماعی



**فرناز مهدی‌زاده صفار**

کارشناسی علوم‌آزمایشگاهی ۹۷

شرکت در اردوی جذاب دریای خاک کویر باب آشنایی‌ام با سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی بود. به مرور زمان متوجه شدم که برنامه‌های مفرح و جذاب دانشگاهمان، همگی متعلق به سازمان دانشجویان است و این نوع برنامه‌ها با روحیاتم سازگار است و به طور کل جهاد دانشگاهی برای افراد اجتماعی می‌تواند بهترین عرصه برای حضور باشد. همچنین متوجه شدم که دانشجویان در سازمان دانشجویان نسبت به دیگر تشکل‌ها دارای آزادی بیان بیشتری هستند و به اصطلاح دستشان در اجرای طرح‌های مورد علاقه‌شان بازتر است و می‌توانند با خیال آسوده و البته با رعایت خط قرمزهای منطقی، دغدغه‌های دانشجویی مدنظرشان را در محیط صمیمی و دوستانه‌ی جهاد مطرح کنند. بهترین خاطرات دانشجویی‌ام به شرکت در برنامه‌های جذابی که سازمان برگزار می‌کرد، برمی‌گردد؛ برنامه‌هایی از جمله اکران دانشجویی فیلم‌هایی با ژانرهای متفاوت و برگزاری جلسات نقد کتاب با حضور اساتید برجسته که بیشتر شبیه جلسات مشاوره بود و برای من و دوستانم، بسیار پر بار. نکته حائز اهمیت دیگری که سازمان دانشجویان را از دیگر تشکل‌ها متمایز می‌کند، برگزاری برنامه‌های مجازی و حضوری در دو سال اخیر است که با توجه به شیوع ویروس کرونا، با محدودیت‌ها و مشقت‌های فراوانی همراه بود، اما دوستان پرتلاش ما در سازمان دانشجویان با تلاش و پشتکار خود توانستند برنامه‌هایی بسیار عالی و با کیفیت خوب اجرا کنند و به بسیاری از دغدغه‌های اجتماعی و دانشجویی ما دانشجویها بپردازند. سازمان دانشجویان برای من همیشه یادآور خاطرات بسیار شیرین است؛ اردوی ارگ رادکان و اردوی پاکسازی طبیعت که بعد از آن بازدید از آرامگاه عطار و خیام را داشتیم، از جمله خاطرات دلپذیرم از سازمان است. و در آخر پیشنهاد من به همه ی دانشجویهای جدیدالورود این است که در کنار فعالیت‌های درسی-دانشجویی‌شان حتما در برنامه‌های جهاد شرکت کنند، تا هم بتوانند زندگی اجتماعی بهتری داشته باشند و در همه ابعاد زندگی پیشرفت کنند و هم بهترین خاطرات دوران دانشجویی‌شان را بسازند.

## در اینجا هیچ‌گونه محدودیتی

## وجود ندارد



**علی فدوی‌اسلام**

کارشناسی داروسازی ۹۷

دی ماه ۹۹ بود که با یک تماس از طرف یک دوست قدیمی دعوت به همکاری با سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی مشهد شدم؛ نامی که پیش‌تر برای فعالیت‌های آموزشی با آن برخورد کرده بودم. آشنایی با فعالیت‌های این سازمان، پُلی برای رقم زدن بسیاری از اتفاقات خوب و تجربیات فراوان بود. تجربیاتی که باعث آموختن و همچنین آموزش مهارت‌های بسیاری به دوستان و آشنایانم شد. پلی که آگاهی‌بخشی بسیاری از مسائل روز سیاسی و اجتماعی جامعه‌مان بود. با گذشت زمان و مشاهده‌ی محیط صمیمانه و حرفه‌ای که در این سازمان حکم فرما بود، بیش از پیش علاقه و شوق برای اجرای فعالیت‌های متفاوت در این سازمان پیدا کردم.

طیف گسترده و عدم وجود هیچ‌گونه محدودیت در فعالیت‌های سازمان دانشجویان از نقاط قوت این سازمان است؛ به طوری که انواع گوناگونی از فعالیت‌های هنری، فرهنگی، علمی، سیاسی و... با بهترین کیفیت و حرفه‌ای‌ترین فرم ممکن توسط اعضای آن صورت می‌گیرد. به حق این سازمان به آرمان خود که ارتقای سطح علمی و فرهنگی دانشجویان است، بیش از هر زمانی دست یافته و می‌تواند با به کارگیری پتانسیل ارزنده‌ی دانشجویان در زمینه‌های مختلف، به رشد و پرورش استعدادهای آن‌ها کمک کند.

توصیه‌ی اینجانب برای دانشجویانی که دغدغه‌هایی فراتر دارند، همیشه پیوستن به برنامه‌های سازمان دانشجویان و بهره گیری از امکاناتی‌ست که این سازمان در اختیار دانشجویان قرار می‌دهد تا هرچه بهتر مسبب رشد خود و سایر دانشجویان باشند.

## در این دوران، محکم‌تر و

## قوی‌تر ادامه دادیم



**کوثر صدری**

کارشناسی جامعه‌شناسی ۹۸

مهر نودوهشت بود که وارد دانشگاه شدم؛ آن زمان پر بودم از حس نگرانی و استیصال؛ این‌که آیا انتخابی که کرده‌ام، درست است یا قرار است سال‌ها بعد بابت انتخابم پشیمان شوم. هم دوست داشتم سری از جامعه‌شناسی دریابورم و هم دوست داشتم وارد فیلم‌سازی و مستندسازی و دنیای بزرگش شوم. بعد از سنجش‌های فراوان انتخابم جامعه شناسی فردوسی شد.

می‌دانید روزهای اولی که به دانشگاه می‌آیید خیلی چیزها توی ذوقتان میخورد؛ از کیفیت پایین خیلی موارد گرفته تا کیفیت پایین خیلی از افراد؛ از دانشجو گرفته تا اساتید، اما این‌جا تشکل‌های دانشجویی می‌تواند به کمک‌تان بیاید. این‌که بگویم سازمان دانشجویان جهاد برای شما به مثابه معجزه است، شاید اغراق باشد، اما دست کم می‌توان گفت تنوع برنامه‌ها در زمینه‌های مختلف به شما این امکان را می‌دهد که علائق و دغدغه‌هایتان را فراموش نکنید.

خوب یادم است که همان زمان برنامه‌های گوناگونی در حوزه ی نقد و اکران فیلم در دانشکده‌ها برقرار بود و یا در خصوص بعضی از موضوعات اجتماعی برنامه‌هایی بود و افراد متخصص در آن حوزه دعوت می‌شدند. چیزی نگذشت که دانشگاه مجازی شد و در خانه‌هایمان به دانشگاه می‌رفتیم. چند ماهی از خانه‌نشینی می‌گذشت که من هم به سازمان دانشجویان پیوستم. در این بازه بسیاری از فعالیت‌ها متوقف شد و بعضی از برنامه‌ها کنسل شد، اما برنامه‌های ما کنسل نشد، روز به روز پر رنگ‌تر شد و محکم‌تر و قوی‌تر ادامه دادیم. از برگزاری بعضی از سلسله جلسات در حوزه روانشناسی، اقتصادی و محیط زیست گرفته تا برگزاری تریبون آزاد و مناظره. فعالیت‌هایمان را تا جای ممکن به برنامه‌های صرفا مجازی محدود نکردیم؛ بعضی از برنامه‌ها را حضوری، بعضی از برنامه‌ها را مجازی و برخی را ترکیبی از آن دو برگزار کردیم و خلاصه می‌توانم بگویم همه تلاش خود را برای رقم زدن بهترین اتفاق انجام دادیم. بیشتر از یک سال است که من در سازمان دانشجویان هستم و فکر می‌کنم خوش‌وقت هستم که در این جمع قرار گرفتم؛ جمعی از دانشجویان در رشته‌های مختلف که برای دغدغه‌ها و اهدافشان تلاش می‌کنند و حضور در این جمع پویا قطعلا تجربه‌ی به‌یادماندنی و ارزشمندی است.

## محلی برای رشد و تعالی



**امین خاکشور**

دکتری دامپزشکی ۹۶

از سازمان دانشجویان به عنوان نهاد دانشجویی که در زمینه‌های مختلفی همچون محرومیت‌زدایی، مسائل فرهنگی، اجتماعی و... به طور عملی و جدی فعالیت می‌کند، یاد می‌شود. من هم همانند همه انسان‌ها به کمک به دیگران علاقه‌مندم و در همین راستا برای کمک و خدمت‌رسانی به محرومین از طریق دوستانم در سایر دانشکده‌ها با سازمان دانشجویی آشنا شدم. می‌گویند شخصیت انسان‌ها برآیند رفتار و شخصیت هفت دوست نزدیک آن‌هاست؛ وقتی در جمع افراد با انگیزه، پرتلاش و هدفمند قرار می‌گیری، کم کم توانایی‌های فردی و جمعی انسان رشد و تعالی پیدا می‌کند. مهارت انجام کار تیمی و روحیه تیمی جز با حضور در اجتماع‌های سازنده حاصل نمی‌شود. خوشبختانه در سازمان از این دست افراد کم نیستند که موجب پیشرفت در همه جوانب یکدیگر می‌شوند.

در دانشکده ما دکتری به عنوان دفتر سازمان دانشجویان وجود نداشت، اما با تلاش بچه‌های دانشکده توانستیم دفتر سازمان را به این دانشکده بیاوریم. متأسفانه با آمدن کرونا نتوانستیم فعالیت‌های موردنظرمان را خیلی پیگیری کنیم، اما حالا امیدواریم با کمک شما و در کنار هم، بتوانیم در حوزه‌های مختلفی که توانایی داریم فعالیت کنیم و رویدادهایی درخور دانشجویان برگزار کنیم.



## تشکلی مملو از برنامه‌های

## هیجان‌انگیز و سرزنده



**مبین جامی**

کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه‌ای ۹۹

آشنایی‌ام با سازمان دانشجویان برمی‌گردد به شنیده‌هایم از دانشجویانی که در حال فارغ‌التحصیلی بودند که از جهاد به عنوان بهترین تشکل دانشگاهی نام می‌بردند و آن را به من شناساندند. از آنجایی که در سطح دانشکده، دانشجوی شناخته شده‌ای بودم، از امور فرهنگی به عنوان مسئول معرفی شدم و از جهاد خواستند تا بروم و با مدیر اجرایی سازمان جلسه‌ای داشته باشم. در آن زمان ایده‌ها و اعتقادات خودم را مطرح کردم و در نهایت بعد از نشستی با دکتر بختیاری، معاون فرهنگی جهاد دانشگاهی، جذب این گروه شدم.

اما داستان بعد از آن جذاب می‌شود که فهمیدم وارد چه تشکل عالی و خوبی شده‌ام؛ تشکلی که می‌توانم در هر زمینه‌ای در آن فعالیت و همکاری کنم و در عین حال لذت ببرم. تشکلی که مملو از برنامه‌هایی هیجان‌انگیز و سرزنده از قبیل طرح‌های گردشگری، خیریه و... است که برای هر انسانی جذاب است. نکته مهم این است که طرح‌ها و برنامه‌ها توسط خود دانشجویان ارائه داده می‌شود؛ این درحالی است که هیچ فردی همانند خود دانشجو نمی‌تواند نیاز خود را بفهمد و برای رفع خواسته‌هایش قدم بردارد. بعد از آن بود که شروع به جذب عضو در دفتر دانشکده‌ام کردم و با استقبال خیلی خوبی هم رو به رو شدم؛ حتی با اینکه دانشجویان در ابتدا هیچ آشنایی با من و فعالیت‌های دفتر نداشتند.

خلاصه که سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی جایی‌ست که حتی اگر تنها در آن حضور داشته باشید، باعث رشد و ترقی‌تان شده و حسایی پیشرفت می‌کنید. پیشنهادم این است که همین حالا برای ورود به این جمع دوست‌داشتنی اقدام کنید.

## از این راه معمولی، دنیایی از

## تجربه بسازید



**فاطمه حسینی**

کارشناسی جامعه‌شناسی ۹۶

پشت سر گذاشتن دوران دویدن و رسیدن به آن چیزی که می‌خواستید، یا از اجبار آن را قبول کرده‌اید، گرچه سخت بود، اما اگر با دیده انصاف به آن نگاه کنید، می‌بینید که می‌توانید در این جامعه بزرگ دانشجویی از هر فرصتی، برای خود موقعیتی مناسب بسازید. فرقی نمی‌کند در چه رشته یا در چه جایگاهی باشید؛ مهم این است که بتوانید در آن موقعیتی که هستید، بهترین خود باشید. این جملات شعارگونه را ممکن است در اول مسیر دانشجویی از افراد متعددی بشنوید، اما شاید خیری در این شعارها نهفته است که همه و همه آن را تکرار می‌کنند.

اینجا، دانشگاه، محل پاس کردن چند واحد تخصصی و عمومی نیست؛ زمانی که اولین قدم را در دانشگاه گذاشتید، آن‌جا مسئولیت و تعهدتان نسبت به آینده خودتان شروع می‌شود. آن‌جا است که می‌توانید تصمیم بگیرید، راه معمول پیشی رو را انتخاب کنید، یا این‌که از این راه معمولی برای خودتان، دنیایی از تجربه بسازید. تمام نتایج این تصمیم‌ها به پای خودتان هست. پس اگر حرف شعارگونه‌ای شنیدید، ساده از کنار آن رد نشوید. اما سوالی که ممکن است پیش بیاد، این است که از کجا شروع کنید تا رسالت دانشجویی‌تان را ادا کرده باشید و تنها اسیر جزوات پراکنده اساتید و درنهایت برگه‌ای از اسم و شماره دانشجویی به عنوان مدرک تحصیلی نشوید. در میان پیشنهادات و تجربه‌هایی که از دیگران دریافت می‌کنید، شاید اسم سازمان دانشجویان را شنیده باشید. سازمان دانشجویان، همانطور که از نامش پیداست، مجموعه‌ای کاملا دانشجویی است که می‌توانید کوچک‌ترین تا مهم‌ترین دغدغه‌های خودتان، از مسائل اجتماعی و فردی گرفته تا سیاسی و اعتقادی را بدون هیچ جهت‌گیری خاصی مطرح کنید و به آن‌ها جامه عمل بپوشانید. ما اینجا هستیم تا همراه شما برای رسیدن به آن چیزی که می‌خواهید، باشیم.







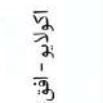
## انشجویان گذشت ۱۳۹۹...

**آنچه زبان نمی گوید**  
بروزه زیر حالت های چهره  
عبدolkarim Behrouz

**طبیعت پاک**  
سازمان محیط زیست ایران



کارگاه ده جلسه ای آموزش، تعمیرات و نگهداری تجهیزات پزشکی اکولایو - بررسی گرایش تحصیلی احمی اگوسیستم



آنچه زبان نمی گوید - تشریح زبان بدن  
تعمیرات و نگهداری تجهیزات پزشکی  
بررسی گرایش تحصیلی احمی اگوسیستم



**حرفها و قلمها**

**همسایه رام**



حرفها و قلمها - سنتها چگونه متولد می شوند و چگونه می میرند  
مسابقه شخصیت شناسی معماری طالبان

**یادگاریهای عاشقانه**



حرفها و قلمها - درمان شویندهای حساسه مجازی - واگیرهای عاشقانه هم قصه

**نقاط باستور**



جشن بیست و سومین سالگرد تأسیس سازمان دانشجویان اکولایو - میزگرد تخصصی  
تقاطع باستور - الزامات سیاست خارجی در دولت سیزدهم  
حرفها و قلمها - جشن اجتماعی  
ده کلاسیک - فصل جدید پریمیوم لیگ و بوندلیگا

**در حوالی آسمان**



**حروفها و قلمها**



حرفها و قلمها - الزامات توسعه حمل و نقل سبز  
حرفها و قلمها - این شش نفر  
ده کلاسیک - فصل جدید لیگا  
روایت شهر - بخش اول  
طوقار ملت افغانستان  
اکولایو - داستان یک سفر خانوادگی با دو چرخه  
جشنواره نویسندگان جوان  
تقاطع باستور - چالش های سلامت پیش روی دولت سیزدهم  
حرفها و قلمها - پاییز، فصل آخر سال

**طالبان از ظهور تا پیدایش دوباره**



طالبان از ظهور تا پیدایش دوباره

**میزگرد تخصصی**



میزگرد تخصصی

**روایت شهر**



روایت شهر



**10 CLASSIC**



10 CLASSIC

**سیر و قایع**



سیر و قایع

**سیر و قایع**

سرمایه اجتماعی و گشگری محیط زیست  
واکای پیوند انسان و محیط زیست  
بررسی عملکرد تیم ملی زیر نظر درگان اسکورچچ  
نقد و بررسی عروس آتش

حرفها و قلمها - آرمگاه فردوسی  
زندوی آموزشی - ترویجی زندیوم  
ده کلاسیک - عملکرد ایران در برابر امارات و کره جنوبی  
دهمین دوره مسابقات ملی مناظره دانشجویان ایران  
اکولایو - باغ وحشی، تجارت، فرصتها، چالشها و تهدیدها



حرفها و قلمها

زندوی آموزشی

دهمین دوره مسابقات ملی مناظره دانشجویان ایران

اکولایو - باغ وحشی، تجارت، فرصتها، چالشها و تهدیدها

حرفها و قلمها - آرمگاه فردوسی

زندوی آموزشی - ترویجی زندیوم

ده کلاسیک - عملکرد ایران در برابر امارات و کره جنوبی

دهمین دوره مسابقات ملی مناظره دانشجویان ایران



## نگاه ویژه

۶



دانشگاه دیرینه‌سال فردوسی مشهد، زیست‌بومی‌ست واقع در سرزمین خورشید؛ کهن‌بومی که آفتاب را، پیش از هر نقطه دیگر، گریه خاورمیانه سلام دهد و خردمندان، ادیبان و هنرمندان سترگی را صاحب باشد که در ادوار تاریخ، اندیشه و قلمشان از توس تا هرات و از نیشابور تا خوارزم، نام خراسان را با خرد، دانش و راستی پرآوازه ساخته است.

اکنون نام این پهنه گسترده، بیش از هر نام با مشهد در جغرافیای گیتی پیوند خورده است؛ سرزمینی که با هویت، مدنیت و معنویت، در برگ‌های تاریخ ایران شناخته شده و با آوردن نامش، پیش از هر نامی، نام حکیم توس و امام رئوف را در ذهن هر فرد، از خاص تا عام، نقش باشد. دانشگاه فردوسی مشهد را می‌توان تنها زیست‌بوم علم و فناوری در ایران امروز دانست، که نامش با ملیت و معنویت مکان واقع در آن پیوند خورده است؛ فردوسی که نامش غرور و حماسه را زاید و مشهد که معنایش را قیمت تربتی باشد که در سینه پیکر عالم آل محمد را در آغوش دارد. دانشگاهی که با این نام زینده، بیش از هفت دهه است که بر آموزه فردوسی: «خرد باید و دانش و راستی»، ایستاده و مهد خردورزی و خردپروری و جایگاه پرورش دانشمندان و ادیبان بزرگی بوده است. بدون شک زیستن، آموختن و پیوستن در این زیست‌بوم را افتخاری‌ست گران‌سنگ، که اکنون همراه خانواده‌ای است، پرمهر و بزرگاندیش با بیش از ۲۵۰۰۰ اندیشمند، دلسوز و آینده‌ساز کهن بوم ایران.

پیوستن شما اعضای نورورد به خانواده بزرگ این دانشگاه دیرینه سال را قدر می‌دانیم؛ دختران و پسران پرامید و زیباندیشی که آینده کهن بوم ایران را کوشش، پشتکار، انگیزه و دانش‌اندوزی امروز این فرزندان نیک رقم زند. شما اکنون عضو این جهان کوچک با عقیده، سلیقه، فرهنگ و زبان‌های گوناگون، اما رسالتی همسان هستید، که بر دروازه ورودش مزین گشته:

میاسای ز آموختن یک زمان

ز دانش میفگن دل اندر گمان
ورودتان را به دانشگاه پر افتخار و دیرینه سال فردوسی مشهد شادباش می گویم و امید دارم که نام این دانشگاه با کوشش و افتخارآفرینی‌های شما مانا خواهد بود.

دل آرام دارید بر چار چپز

<span>یکو بيم و آرم و شرم خدای</span>	
<span>دگر داد دادن تن خویش را</span>	
<span>نگه داشتن دامن خویش را</span>	
<span>به فرمان یزدان دل آراستن</span>	
<span>مرا چون تن خویشتن خواستن</span>	
<span>سه دیگر که پیدا کنی راستی</span>	
<span>بدور افگنی کژی و کاستی</span>	
<span>چهارم که از رای شاه جهان</span>	
<span>ورا چون تن خویش خواهی به مهر</span>	
<span>به فرمان او تازه گردد سپهر</span>	



### هم قصه؛ هم‌نشینی کودکانِ محروم با «یار مهربان»



کتاب خواندن در سنین پایه دروازه‌های جهانی تازه را به روی کودکان و نوجوانان می‌گشاید و سبب پویایی ذهن، توسعه مهارت‌های ارتباطی، رشد اجتماعی و عاطفی، ارتقای ارزش‌های اخلاقی، افزایش قوه تخیل و خلاقیت آن‌ها می‌شود. انس کودکان با کتاب، تضمینی بر استحکام تربیت و فرهیختگی نسل آینده یک جامعه می‌باشد. از طرفی، طوفان‌های سهمگین اقتصادی در سالیان اخیر، کتاب را گران قیمت و دیرپاب کرده و سید نیازهای روزمره را آن‌قدر کوچک کرده که دیگر جایی برای کتاب در آن نمانده است؛ معادله تلخی که حاصل آن محرومیت بسیاری کودکان این سرزمین از هم‌نشینی «یار مهربان» است. به همین منظور جهت گسترش فرهنگ کتاب‌خوانی در بین کودکان و نوجوانان، افزایش آگاهی و تشویق و ترغیب آنان به کتاب خواندن و همین‌طور توسعه و تجهیز کتابخانه‌های مناطق محروم به منابع بیشتر، طرح «هم‌قصه» را اجرا کردیم تا با یاری جمعی از علاقه‌مندان دانایی و روشنایی اقدام به جمع‌آوری کتاب برای اهدا به کودکان مناطق محروم کنیم. در این طرح که با همکاری تعدادی از کتاب‌فروشی‌های خوش‌نام شهر مشهد برگزار شد، همراهان عزیزمان کتاب‌های نو یا استفاده شده خود و فرزندانشان را که دیگر نیازی به آن نداشتند برای اهدا به مراکز اعلام شده در فراخوان تحویل دادند. سازمان دانش‌جویان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی پس از جمع‌آوری این کتاب‌ها اقدام به توزیع آن‌ها در مدارس و کتاب‌خانه‌های مناطق محروم کرد.

دوهفته‌نامهٔ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال هفتم / شمارهٔ هشتاد / نیمهٔ اول آبان ۱۴۰۰

## استاد؛ الگودهنده و هدایت‌کننده مسیر زندگی دانشجویان

### حامد کارگران



مدرس گروه مهندسی هسته‌ای دانشگاه شهید بهشتی

به نظر می‌رسد داستان کرونا و ما به منزل آخر خود نزدیک می‌شود و با این حال بر هیچ‌کس پوشیده نیست که این ویروس، ضمن مختل کردن روال طبیعی زندگی بشر، تمامی حوزه‌های فعالیت انسان‌ها را تحت تاثیر قرار داده است و مشکلات حوزه آموزشی به دلیل درگیری گستره وسیعی از آحاد مردم، از سایر حوزه‌ها برجسته‌تر شده است؛ سال تحصیلی جدید، همراه با تجربه‌ای یک و نیم ساله با این بیماری مرموز، آغاز می‌شود و هرچند که تقریباً همه مردم، با زندگی همراه با این بیماری و مخاطرات آن، به نوعی عادت کرده‌اند، اما به طور موثری این بیماری در نحوه تدریس اساتید و یادگیری دانشجویان سایه افکنده است. تغییر از آموزش حضوری به کلاس‌های آموزش مجازی در خانه، مصائب بیشتری برای دانشجویان و اساتید ایجاد کرد؛ کلاس‌هایی که معمولاً به یک صفحه گوشی تلفن همراه، تبلت و رایانه محدود شده، استاد متکلم وحده است و بدون مازیک، جزوه، میز و صندلی برگزار می‌شود. از طرفی مقوله ارتباط بین استاد و دانشجو و انتقال دانش همیشه و حتی قبل از این بیماری یک چالش بزرگ بوده است؛ رابطه استاد و دانشجو محدود به انتقال صرف دانش نیست و در فرآیند تدریس تنها تجارب و دیدگاه‌های علمی استاد انتقال نمی‌یابد، بلکه شخصیت و منش وی مورد توجه دانشجویان قرار می‌گیرد و در ایجاد شرایط یادگیری و تغییر و تحول دانشجویان تاثیر خواهد داشت. معمولاً دانشجویان در محیط دانشگاه، ضمن فراگیری مباحث علمی، از رفتار اساتید به عنوان افراد فرهیخته جامعه الگو می‌پذیرند و آینده رفتار اجتماعی آن‌ها متأثر از منش و رفتار و سجایای اخلاقی اساتید خواهد بود.

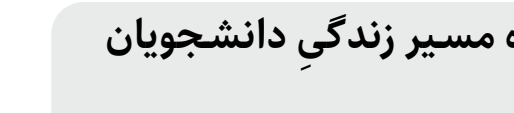
تحقیقات علمی نشان می‌دهد ارتباط مستقیمی بین رابطه نزدیک استاد با دانشجویان و اشتیاق در فراگیری آن‌ها وجود دارد؛ به نحوی‌که استادی، حتی با سطح پایین‌تر از نظر درجه علمی، اما با ارتباط موثر، سازنده و مثبت با دانشجویان، می‌تواند تأثیری به مراتب ماندگارتر و عمیق‌تر بر دانشجویان خود باقی بگذارد. از این روی می‌توان گفت مقام استادی می‌تواند جایگاهی الگودهنده و هدایت‌کننده مسیر زندگی دانشجویان باشد. ایجاد بسترسازی مناسب، هم از لحاظ دانش علمی و هم آرامش روانی، توامان با نگاه و توجه دقیق به سطح دانش و معلومات دانشجویان و همراهی برای کاهش فاصله علمی و هم‌سطح‌سازی

## دوران دانشجویی خود را به دورانی تکرارنشدنی بدل کنید

آسان‌تر از استاد درس باشد. افزون بر این‌ها، به ندرت پیش می‌آید که والدین بتوانند کمک‌رسان ما دانشجویان در دروس دانشگاهی و تخصصی باشند؛ یا اینکه در بسیاری از دروس دبیرستان امکان کمک گرفتن از آن‌ها فراهم بود. بنابراین در مجموع، عضو بودن در گروه‌های درسی دست‌کم دو نفره، می‌تواند در ارتقای کیفیت آموزشی به‌شدت مؤثر باشد.

**استفاده از مدل تحصیلی معروف به «مباحثه»، که در حوزه‌های علمیه شایع و به‌شدت نافع است، می‌تواند در دانشگاه نیز شمر ثمر باشد.** در این مدل، چند دانشجوی همراه و همدل و از نظر تیپ شخصیتی نزدیک به‌هم، پس از استفاده از محضر استاد و اصطلاحاً «گرفتن درس»، در مکانی خارج از کلاس درس و در زمانی نه چندان دور از لحظهٔ برگزاری کلاس و چه بسا بلافاصله پس از آن، دور هم جمع می‌شوند و شروع می‌کنند به بحث و فحص پیرامون آن موضوع درسی و در اصطلاح «پس دادن درس» به یکدیگر. با این کار، ضمن مرور مطالبِ اخیراً تدریس‌شده و عمق‌بخشی به آن‌ها، یک اتفاق بسیار مهم می‌افتد که عبارت است از فهم کامل یک موضوع علمی پس از تدریس آن موضوع. به قول یکی از اساتید ما، انسان تا موضوعی را تدریس نکند، دوزاری خودش هم خوب نمی‌افتد. هنگام تدریس یا در اصطلاح، انتقال مطالب علمی به فردی دیگر است که انسان، به‌طور کامل، بر لطائف و ظرائف آن موضوع وقوف می‌یابد و از ریزه‌کاری‌های آن کاملاً آگاه می‌شود و این اتفاقی است که در «مباحثه» می‌افتد. افزون بر این‌ها، تا زمانی که انسان درونیات خود و از جمله مجموعه‌ی دانستنی‌های خویش را با شخص ثالثی در میان نگذاشته باشد، چه بسا توهماً گمان برد که همه‌ی آن‌ها درستند و عین صواب، اما با رد و بدل ساختن معلومات و بیرون ریختن درونیات است که نقاط قوت و ضعف آن‌ها مشخص می‌شود و طبیعتاً امکان رشد و والایش باورها فراهم می‌آید.

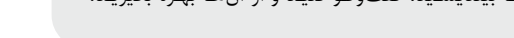
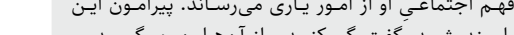
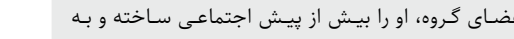
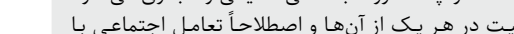
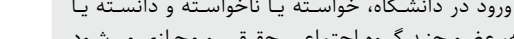
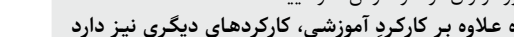
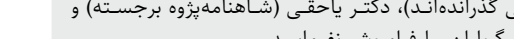
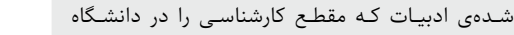
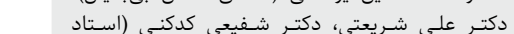
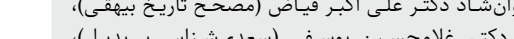
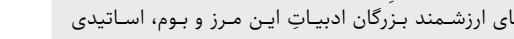
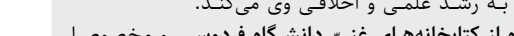
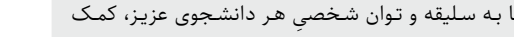
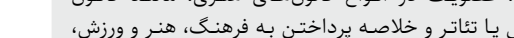
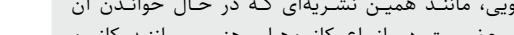
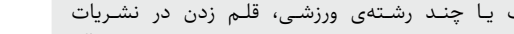
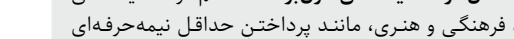
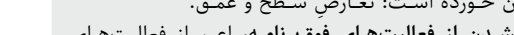
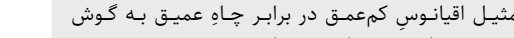
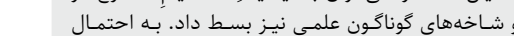
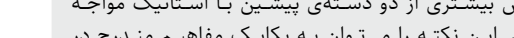
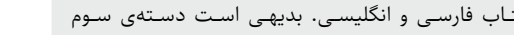
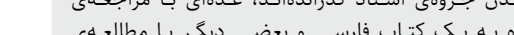
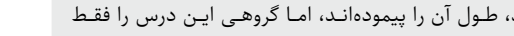
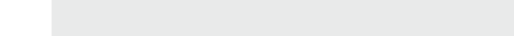
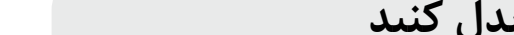
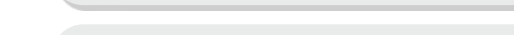
**گذراندن یا در اصطلاح پاس کردن یک درس یعنی طی کردن طول آن درس؛ اما سؤال مهم این است که با چه عرضی؟** به عنوان مثال، همه‌ی آن‌هایی که درس استاتیک را پاس



دانشجویان و به نظر حقیر، اولویت قرار دادن فراگیری دانشجویان نسبت به ارائه کامل محتوای سرفصل دروس، می‌تواند وجه تمایز مقایسه کارآمدی اساتید باشد.

از طرفی دانشجویانی که با نگاه و روحیه‌ای سرشار از انتقاد وارد فضای دانشگاه می‌شوند، شاید نتوانند ارتباط مناسب و دلخواه خود را با اساتید برقرار کنند؛ بنابراین اگر انتظارات قبل از ورود آن‌ها به دانشگاه تحقق نیابد، این مشکلات مضاعف خواهد شد. دانشجویان در بدو ورود به دانشگاه در ابعاد مختلف چالش‌های جدیدی را تجربه می‌کنند و انتظارات متفاوتی برای این موارد خواهند داشت، اما با نگاهی صرف به بعد فراگیری دانش، دانشجویان نیازمند ایجاد انگیزش و اشتیاق در یادگیری و احساس نیاز به این دانش‌ها در آینده هستند. اشتیاق در یادگیری یک موضوع خاص، رابطه مستقیم و موثری بر یادگیری آن خواهد داشت و در این نقطه، رابطه استاد و دانشجو به عنوان یک عامل موثر در این اشتیاق، مورد تاکید قرار می‌گیرد. یک استاد با‌دانش و باتجربه، ضمن انتقال دانش، با همراهی و هم‌فکری با دانشجویان، عواطف و احساسات آنان را در کنترل می‌گیرد و به سمت مقصد اصلی هدایت می‌کند. دانشجویان باید بدانند که برای فراگیری دانش، بهترین و بارزرت‌ترین دارایی خود، عمر و بعضاً جوانی خود را هزینه می‌کنند؛ پس انتظار می‌رود که این فراگیری به بهترین نحو ممکن رقم بخورد.

در پایان شاید خالی از لطف نباشد که، نگاهی به آینده پیش روی علم داشته باشیم و آن را مورد توجه قرار دهیم؛ امروزه هر دانش و صنعتی در حال تغییر با سمت و سوی تحولات دیجیتال و انطباق با ویژگی‌های انقلاب صنعتی چهارم و دیجیتال‌سازی است. از ویژگی‌های بارز این انقلاب، استفاده از اینترنت اشیاء، یادگیری ماشین و سامانه‌های سایبری برای پایین آوردن هزینه‌ها، کاهش نیروی انسانی، افزایش سرعت و تحلیل و تصمیم‌گیری ماشینی در تمامی صنایع و شاخه‌های علوم دانشگاهی است. سیاست‌گذاران و اساتید دانشگاه و به تبع آن دانشجویان باید تحولات مورد نیاز برای نسل چهارم آموزش را بپذیرند و بتوانند آموزش‌ها و نیازمندی‌های جامعه را ارائه کنند تا هم‌چنان نهادهای موثر و اثرگذار در این زمینه باشند. آشنایی با این پدیده‌ها، شناخت و به کارگیری این مباحث ما را به سمت نسل چهارم آموزش سوق می‌دهد؛ این مدل آموزش، رویکرد نوین یادگیری است که مبتنی بر فناوری هوشمند، هوش مصنوعی و یادگیری ماشین بوده که می‌تواند زندگی روزمره همه آحاد جامعه را تحت تأثیر قرار دهد.







دوهفته‌نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال هفتم / شماره هشتاد / نیمه اول آبان ۱۴۰۰

## پارو زدن یا در انتظار بادِ موافق نشستن؟



مهدی نعیمی‌نراد

مدیر اجرایی سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی

انسان در آغاز هر پدیده یا اتفاق یا مسیر در نقطه اتصال ذهنیت خود با عینیت آن پدیده، اتفاق یا مسیر قرار می‌گیرد که این موضوع به همان اندازه که هیجان‌انگیز است حساس و حتی ترسناک هم هست! تصور کنید همیشه رویای سفری به دور دست را در سرمی‌پروانده‌اید

و هزاران آرزو و برنامه برای آن داشته‌اید؛ نقطه شروع این سفر تا چه میزان می‌تواند جذاب و هیجان‌انگیز باشد؟ تا چه میزان می‌تواند انسان را در معرض انتخاب‌ها و اتفاقات خارق‌العاده قرار بدهد؟ شروع چنین سفری تقریباً رقم‌زنده نگاه ما به ادامه مسیر و تعیین‌کننده خوش‌بینی یا بدبینی ما به مسیر پیش رو خواهد بود و از همین رو اهمیت دارد. حالا در نقطه مقابل تصور کنید که این نقطه آغاز، آن‌گونه که تصور کرده‌اید، خوب نباشد! در چنین حالتی هم ممکن است سگ مسافر همسفر ناخوانده شما شود و سنگ بزرگی را بر مزار آرزوها و خیالات دور و درازتان بگذارد. ورود به دانشگاه و دانشجو شدن هم درست مثل سفری که گفتیم خواهد بود؛ شما برای دوره‌ای جدید از زندگی و در واقع برای طی کردن این دوره به شکل مطلوب و مورد نظرتان سال‌های سال تلاش کرده‌اید؛ با ارواح خبیث مافیای

کنکور و فلان کانون و فلان موسسه که از همه جای زندگی بیرون می‌آیند تا برای شادی خدایان ثروت و سود، آرامش شما را در بهترین سال‌های زندگیتان قربانی کنند، جنگیده‌اید و حالا مثل یک گلادیاتور خسته ولی فاتح به ساحل آسودگی رسیده‌اید تا سوار قایقی که منتظران بوده شده و راهی سرزمین آرزوهایتان شوید! و شما اکنون دقیقاً در کنار قایق و در برابر دریا برای شروع این سفر قرار دارید! همین لحظه، لحظه آغاز است و شما دقیقاً در نقطه عطف قرار دارید؛ نقطه انتخاب اینکه سفر دریایی شما در دانشگاه چطور آغاز شود؟ دو راه بیشتر در برابر گلادیاتور خسته وجود ندارد؛ تن دادن به حقیقت موجود که شامل یک پاندمی فلج‌کننده است که بیش از هر چیز به غیرقابل پیش‌بینی بودن شناخته می‌شود و در واقع هیچ باد موافق و مسیمر مساعدی را برای گلادیاتور مسافر شارت نمی‌دهد؛ یا در طرف مقابل تلاش برای تحقق رویایی که برای این مسیر داشته و آرزوهایی که مدت‌ها به آن‌ها فکر کرده و تمام آن مسیرهای سخت را برای دست‌یابی به آن پشت سر گذاشته است و به تعبیر دیگر تلاش برای حرکت در بستر ناامیای دریا به امید اتفاقات خوب آینده...

حالا لحظه، لحظه انتخاب است؛ نشستن در قایقی با بادبان برافراشته در انتظار بادهای موافق برای حرکت در مسیر یا دست به کار شدن و پارو زدن برای آغاز ماجراجویی در سفری که قرار است شروع جهت‌یابی گلادیاتور برای تعیین ادامه مسیر زندگی‌اش باشد! فعالیت دانشجویی اما از جنس پارو زدن است؛ منتظر نشستن و حرکت کردن بر خلاف جهت آب و باد و... کرونا وضعیت را پیچیده‌تر کرده، اما فعالیت دانشجویی که مقدمه اصلی فعالیت اجتماعی است و دانشجو را با اصول و مقدمات فعالیت و اثرگذاری اجتماعی آشنا می‌کند؛ اصلاً مسیر همواری پیش رو نداشته و با سختی‌های فراوان مواجه بوده است. با این وجود همیشه زنان و مردان بزرگی را به جامعه تحویل داده است که فرسنگ‌ها از کسانی که از سایر مسیرها وارد فعالیت اجتماعی شده‌اند، جلوتر هستند؛ علت این امر هم چیزی نیست جز عادت نداشتن به انتظار و آشنا بودن به پارو زدن در شرایط فقدان بادهای موافق! سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی یکی از قایق‌های بزرگی است که تعداد زیادی از دانشجویانی که برای مسیرشان پارو زدن را انتخاب کرده‌اند، در کنار هم تلاش می‌کنند تا «حرکت» کنند و به مقصد رسیدن به کمک یک تیم منسجم و همراه را تجربه کنند؛ دست شما را می‌فشاریم اگر همسفر ما باشید برای ماجراجویی در مسیر دانشجویی!

## تا کی به انتظار قیامت توان نشست؟ برخی‌ها تا هزار قیامت به پا کنی

منظم خود، فعال دانشجویی باشید که ستاره درخشانی در سراسر زیست بشریتان محسوب می‌شود. این‌گونه بسترها همچنین مکمل محاسن آموخته شما خواهند بود و در صورتی که احساس نیاز برای آموختن یا مشارکت در کنار تحصیل داشته باشید، با برگزاری کارگاه‌ها، نشست‌ها و رویدادهای مختلف، آن‌هم با حضور افراد وزین و صاحب‌نظر می‌کوشند تا شما را یاری دهند. در این خرداد همدلی، دانشگاه می‌کوشد بیشترین هزینه‌ها را بی کم و کاست برای فرزندان خود انجام دهد، تا انسان‌هایی کارآمد و پخته به بطن جامعه تقدیم نماید. جهاددانشگاهی نیز پس از انقلاب فرهنگی با آمایش اساتید و مسئولان دانشجویان در دورانی که انبوه تئوری‌ها و ایدئولوژی‌ها اذهان را به خود دعوت می‌نمود، رفته رفته با ایجاد تشکیلاتی دانشجویی محور کوشید تا فضای انتخاب ایده و تئوری صحیح را برای فرزندان خود فراهم آورد و این اتفاق نه با حذف و سانسور تئوری‌های دیگر، بلکه با احترام مأمین امنی را تمام به همه گفتمان‌ها صورت گرفت. جهاددانشگاهی در جهت رشد و از دیرباز این شاخه را به دوش می‌کشد که با فراهم آوردن فضای گفتمان، بین صاحب‌نظران و نمایندگان ایدئولوژی‌های حاضر، تصویری شفاف از ایده‌ها برای دانشجویان نمایان کند، تا ذات حق‌شناسان صحیح را از ناصحیح بشناسد و اگر همین احترام به گفتمان یک‌دیگر، بسپارد. جامعه‌ای تنها رسالت سازمان دانشجویان باشد که از خود به یادگار که چشم انتظار می‌گذارد، یادگاری گران در جامعه‌ای است که بسیاری همت شماسمت، برای رسیدن به اهداف خود، دست به پوشاندن حقایق تا ناجی قطار در می‌زنند.

نشربه وقایع اتفاقیه نیز می‌کوشد تا به‌عنوان رسانه‌ای تاریکی لحظات تمام‌دانشجویی، نقطه‌نظرها، پژوهش‌ها و سخن سخنت و مدد رسان دانشجویان را، چه در قالب پادکست، چه در بسترهای ملت در گردهن‌های تصویری و مکتوب، به سمع و نظر مخاطب خود رسانده تاریخ‌ساز باشید و در سطحی گسترده این ارتباط را با اهالی دانشگاه و همواره بر کوس برقرار سازد. رسالت نقد و بررسی وقایع حائز توجه روز، آگاه‌سازی



محمدسجاد کاشانی

کارشناسی علوم سیاسی ۹۸

همواره باید گفت، خرم آن‌جای که شایسته مسلط باشد، و بر این باوریم، که مسلط‌ترین قشر بر جامعه از منظر فرهنگی و مدنی، اصحاب دانشگاه‌اند؛ حتی اگر باز بگوییم که نمی‌گذارند یا هرچند بگوییم که هزاران سنگ بر پایمان انداختند، این سربروی است که امیدواران برایمان بنا کرده‌اند تا بدان تکیه کنیم.

دانشجو بودن و دانشجو ماندن، یعنی تکیه زدن بر کرسی اعتماد عمومی و ورود به عرصه بدیعی از حیات اجتماعی؛ در این عرصه نوین، جامعه را به منزله سرمایه‌گذار، هزاران امید است که هر هزار، دانشجو است. ایران امروز، دوباره درگیر زخم‌ها و گردنه‌های تاریک تاریخ است که به روشنای ذهن شما، به‌عنوان چراغ راه، چشم امید دارد. مطالبه در هر جامعه‌ای، راه برون‌رفت از مسئله پیش‌آمده را فراهم می‌کند، اما مطالبه‌گرانی موفق و موثر خواهند بود، که از بطن جامعه آسیب‌دیده برخاسته باشند. دانشجو به منزله شهروندی که در میان آوای مردمان ایستاده، بهترین مطالبه‌گری‌ست که می‌تواند منجی وطن خویشتن باشد. همانطور که گفتیم، جهانی از دانشجو، مطالبه تاثیرگذاری دارند و چشم این جهان به قلم اصحاب دانشگاه است. حال که دانشگاه برایمان آغوش گشوده و ما نیز، با تمام اندوخته‌های خود، صندلی را انتخاب کرده تا بر آن تکیه کنیم، بذری خواهیم بود که فردا باید از سایه‌مان برخیزد. حکایت آموختن نیز، حکایت علم و عمل است؛ در جهانی که همواره به‌سوی گسترش و توسعه علم و فناوری گام برمی‌دارد، بدون تجربه‌اندوزی، رقابت، مشارکت و حمایت، نمی‌توان از اندوخته‌ها توقع تاثیرگذاری داشت. دانشگاه اما خلاء فعالیت و تجربه‌اندوزی نظام آموزشی در کنار تدریس و مطالعه علوم را با سازمان‌ها، تشکل‌ها، گروه‌ها و انجمن‌های دانشجویی جبران می‌کند و اساتید، همواره دانشجویی را ممتاز می‌دانند، که دانش خود را تنها به حضور پررنگ در کلاس‌ها محدود نکرده و از صحن دانشگاه به‌عنوان محیطی امن در جهت رشد و پرورش خود استفاده می‌کند. درواقع اینکه شما علاوه بر تحصیل

## انتقال تجربیات زیسته‌ی جهادگرانِ امروز به جهادگرانِ فردا



امیرعلی برومند

دانش‌آموخته کارشناسی مهندسی محیط‌زیست

در ابتدا باید تاکید کنم خاطراتان برایمان خیلی عزیز است؛ چرا که از ماه‌ها قبل در تکاپوی استقبالی باشکوه از شما در قالب برپایی آیین‌ها، ویژه برنامه‌ها و تهیه‌ی محتواهای متنوع برای جشن آغاز به تحصیلتان در دانشگاه فردوسی بوده‌ایم. برای اجرای این برنامه‌ها، سناریوهای مختلفی را بررسی و پیش‌بینی کردیم که از خوش‌بینانه‌ترین تا بدبینانه‌ترین شرایط را در روند همه‌گیری کرونا ترسیم می‌کرد. نهایتاً در سناریویی که به وقوع پیوست، علی‌رغم پیشرفت‌های فرآیند واکسیناسیون، استمرار شیوع پاندمی کرونا مانع دیدار چهره به چهره‌ی ما با هم در پردیس زیبای دانشگاه و جهاددانشگاهی شد و به این ترتیب مجبور شدیم تنها در فضای مجازی و رسانه‌ها به استقبالاتان بیایم. نوشتار پیش‌رو همچون سایر مقالات این ویژه‌نامه‌ی نشریه وزین وقایع اتفاقیه، تلاشی برای گفت‌وگو و انتقال تجربیات زیسته‌ی جهادگران امروز سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی به جهادگران فرداست. امید که انتقال این تجربیات به اعتلای بینش و تقویت هویت جهادی بین‌نسلی منجر شود.

به دوران دانشجویی‌تان عمق ببخشید؛ دوران دانشجویی هم‌چون هر برهه‌ی دیگری از زندگی انسان دو بعد دارد؛ طول و عمق؛ که طول دوره ماهیتی کمی و عمق آن درون‌مایه‌ای کیفی دارد. طول این دوره، همان‌طور که همه‌ی شما مستحضرد، توسط سیاست‌گذاران امر آموزش عالی کشور در وزارت عتف در مقطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی به طور معمول ۴، ۲ و ۵ سال تعیین شده، اما عمق آن از تقریباً هیچ تا بی‌نهایت متغیر است و کسی که آن را تعیین می‌کند خود خود ما و شمااییم. ما و شمااییم که می‌توانیم با عضویت در تشکل‌های دانشجویی و انجام کارها و فعالیت‌های داوطلبانه تجارب منحصر به فرد انفرادی و گروهی کسب کنیم. در این بستر بی‌پروا، ایده‌پردازی کنیم و ایده‌هایمان را اجرایی کنیم. نقادی منصفانه را تمرین کنیم. خلاقانه بی‌اندیشیم و بدون مرز به چالش کشیده شدن و به چالش کشیدن را تجربه کنیم. اینجاست که می‌توانیم نقش‌های متنوع و متنکثری را بپذیریم و فرآیند بلوغ فردی و اجتماعی‌مان

را تسهیل نماییم.

داوطلب شوید؛ دقیقاً در بطن و متن دانشگاه است که می‌توان در شبکه‌ای گسترده از استادان، مدیران، کارشناسان و دانشجویان باتجربه، متبحر و متخصص قرار گرفت و با هم‌افزایی به کارشناس و متخصصی توانمند تبدیل شد. در این مسیر، برای تکوین شخصیت هر یک از ما به عنوان یک انسان دانشگاهی، عناصر زیادی می‌توانند ایفای نقش کنند؛ برخی از این عناصر درونی و برخی بیرونی هستند. عناصر درونی نظیر انگیزه، اشتیاق و تلاش و عناصر بیرونی نظیر امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دانشگاه نظیر کیفیت فضاهای آموزشی و قرار گرفتن اساتید برجسته، انگیزه‌بخش و تاثیرگذار در مسیر زندگی دانشجویی هر یک می‌تواند در موفقیت ما سهمی داشته باشد. اساساً فضای دانشگاهی مملو از امکانات توسعه فردی است، اما نکته‌ای که در این حیطه شاید مغفول واقع شود آن است که اساساً اصل «داوطلب شدن» و تلاش هر دانشجو برای «به مشارکت گرفته شدن» در عرصه‌ی دانشگاهی اق‌های فراوان و مضاعف آموزشی، پژوهشی و فرهنگی را فراروی او می‌گشاید؛ به عبارت دیگر هر یک از ما با داوطلب شدن امکان رشد و توسعه‌ی فردی و گروهی‌مان را چندین برابر می‌کنیم. به استقبال تنوع بروید؛ یک اصل بنیادین در علم اکولوژی وجود دارد که تصریح می‌کند: «تنوع، ضامن بقا است». هم‌چنین بر همگان آشکار است که تنوع به نظام هستی، زیبایی و جذابیت می‌بخشد. پذیرش و تلاش برای توسعه تنوع در زیست دانشگاهی هر انسان دانشگاهی در چند ساحت قابل ردیابی و بسط نظری (معرفت‌شناختی) و عملی (کاربستی) است. نخست تلاش برای پذیرش و توسعه‌ی تنوع فردی (تنوع درونی)، دوم پذیرش و توسعه‌ی تنوع جامعه‌ی دانشگاهی و نهایتاً پذیرش و توسعه‌ی تنوع در زیست اجتماعی پس‌دانشگاهی در دوران دانش‌آموختگی در بطن جامعه است. نخست برای پذیرش و توسعه تنوع در وجود خودتان باید توجه کنید تنها به دانش تخصصی که در رشته‌ی تحصیلی‌تان فرا می‌گیرد، اکتفا نکنید بلکه با فراگیری مهارت‌ها، فنون، هنرها و علوم متنوع دیگر به ابزارهای زندگی‌تان تنوع ببخشید، خودتان را توسعه دهید و بر پیچیدگی‌های وجودی‌تان بی‌افزایید. دوم بپذیرید دانشگاه چهارراه تلافی فرهنگ‌ها، اقوام، ادیان

شهرها، راویان داستان‌هایی از هزاران هزار حیات انسانی است که تاریخ هرکدام قدمتی به درازای زندگانی بشر دارد.

از گذشته، کلمه تاریخ را در کنار صفاتی همچون عبرت‌آمیز، ضروری و سودمند می‌آوردند، چراکه همواره اعتقاد بر این است شناخت تاریخ یک شهر، مکان، ملت و جامعه افزون بر اینکه ما را به انسان‌های سالیان قبل پیوند می‌زند، هویت و چیستی‌مان را به یادمان آورد و همچون چراغ راهی برای فهم اکنون و آینده‌مان عمل می‌کند. از سوی دیگر، انسان‌ها از قدیم‌الایام موجوداتی کنجکاو و تفحص‌کننده بودند که ممکن است به صرف کنجکاوی به کندوکاو در گذشته‌هایی دور بپردازند و تنها ارضای حس کنجکاوی برای آن‌ها خوشایند و لذت‌بخش باشد.

لذا در پروژه بزرگ و چندبخشی روایت شهر، که بخش اول آن با بازدید از خانه تاریخی توکلی و اکران مستند «مشهد» و «نسیان» برگزار شد، قصد داریم محلات تاریخی مشهد را به ساکنان این شهر و علاقه‌مندان این حوزه بشناسانیم. در ادامه این طرح بر آتیم ضمن برگزاری تورهای محله‌گردی در محلات تاریخی عیدگاه، نوغان، سرشور و ارگ، در قالب پادکست روایت شهر و با همکاری جمعی از مشهدشناسان و خراسان‌پژوهان به روایتگری محلات تاریخی مشهد بپردازیم.





شماره مجوز: ۱۴۰۰۶۱۷

صاحب امتیاز: سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی خراسان رضوی  
مدیرمسئول: محمدسجاد کاشانی  
سرمدیر: شادی اسعدی  
مشاوره فرهنگی: دکتر احمدرضا اصغریپور ماسوله



@vaghayeh1389



جدیدترین اخبار و رویداد ها در  
کانال تلگرام سازمان دانشجویان:

@sdjdm

همکاران این شماره: امیرا طارقی، امیرعلی برومند، امین خاکشور، آیدا رستگار، سارا حاتمی، علی فدوی، علیرضا ضیایی، فاطمه حسینی، فرناز علی‌زاده، فرناز مهدی‌زاده، کوثر صدری، مبین جامی، محمدامین پوراحمدی، مهتاب موسوی، مهدی طاهری و مینا حکاک .

هیئت تحریریه: سرویس خبرنگارمه: مژده مقیسه، سرویس اقتصادی و اجتماعی: فرناز علی‌زاده، سرویس فرهنگی و هنری: مریم رحیمی، سرویس ادبی: الناز نوری، سرویس دارالفنون: الهام حق‌پرست، سرویس عکس: محسن خاوری، سرویس انگلیسی: شهریار احمدی .

باتشکر از: دکتر احمد آفتابی ثانی، دکتر عادل سپهر، دکتر هادی بختیاری، دکتر حامد کارگران و مهدی نعمیان‌راد .

صفحه‌آرا: امیررضا رنگ‌آمیز، طراح جلد: نادیا نادری، طراح اینفوگرافیک: ساره آذری .  
وبسایت: sdjdm.ir ایمیل: vaghayemag.sdjdm@gmail.com

دوهفته‌نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال هفتم / شماره هشتاد / نیمه اول آبان ۱۴۰۰

عکاسی

# چند قدم در پردیس

با اسکن کیوآرکد درج‌شده، می‌توانید تصویر ۳۶۰ درجه از مکان مورد نظر را مشاهده کنید.



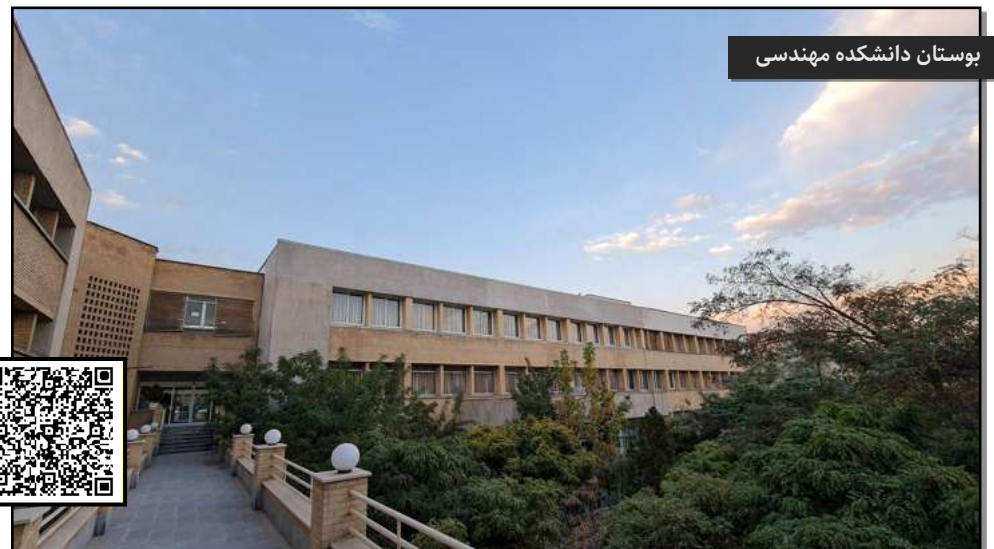
دانشکده علوم پایه



موزه جانورشناسی پروفیسور جمشید درویش در دانشکده علوم



مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه مرکزی



بوستان دانشکده مهندسی



محوطه داخلی دانشکده معماری، شهرسازی و هنر اسلامی



عرصه فراغتی هفت سنگ و کافه نشریات تیترا داغ، جنب سینما مهر و ماه و نگارستان پردیس



بوستان دانشکده ادبیات و علوم انسانی



تالار رودکی جنب مجتمع کانون‌های فرهنگی و اجتماعی

